

۱۷. اهداف کلی و جزئی درس یازدهم «حضور در ظهور» کتاب از من تا خدا پایه هشتم

♦ هدف کلی

آشنایی دانش‌آموزان به باور به ظهور امام زمان (عج)، زمینه‌سازی برای ظهور از طریق بندگی و اخلاق، و ارتباط آن با داستان اصحاب کهف.

♦ اهداف جزئی (رفتاری – آموزشی)

(الف) اهداف شناختی (دانستنی‌ها)

توضیح ارتباط اصحاب کهف با امام زمان (عج) بر اساس روایات.
تحلیل چرایی و چگونگی ماندگاری نام اصحاب کهف.
بیان ویژگی‌های عصر ظهور از زبان تملیخا.
تعریف «بقیة الله» و تطبیق آن بر امام زمان (عج).
مقایسه رفتار مؤمنان به ربّ و غیرمؤمنان در موقعیت‌های دشوار.
استخراج نشانه‌های نمازگزار واقعی از سوره معارج.
تشخیص شرایط نماز شکسته (مسافر) و احکام آن.
تفسیر معنای «سرباز امام زمان بودن».

(ب) اهداف نگرشی (عاطفی)

ایجاد علاقه به انتظار فرج و آمادگی برای ظهور.
تقویت حس مسئولیت در قبال جامعه و یاری دین.
پرورش روحیه شجاعت، ایستادگی و امید به آینده.
احساس افتخار به الگوگیری از شخصیت‌هایی مانند ادواردو آنیلی (مهدی).

(ج) اهداف مهارتی (عملکردی)

توانایی تحلیل موقعیت‌های اخلاقی با الگوگیری از اصحاب کهف.
مهارت پاسخ‌دهی به شبهات اعتقادی درباره ظهور.
تمرین خواندن مناجات و دعای عهد با درک معنا.
اجرای نمایش خلاق از داستان ادواردو یا اصحاب کهف.
محاسبه مسافت شرعی و تشخیص نماز شکسته و کامل.



۱- رفتار مردم وقتی با پیکرهای بی جان اصحاب کهف رو به رو شدند را بنویسید.

مدت زیادی از ورود تملیخا به غار برای خبر دادن به دوستانش گذشته بود، اما هنوز بیرون نیامده بود. مردم همچنان منتظر ایستاده بودند تا تملیخا و دوستانش را ببینند. اما به تدریج کاسه صبرشان لبریز شد و به سمت غار حرکت کردند. همین که رسیدند، ناپاورانه با پیکرهای بی جان اصحاب کهف رو به رو شدند.

مردم که منتظر اصحاب کهف بودند، از مرگ ناگهانی آنها بسیار غمگین شدند، اما چاره‌ای جز تسلیم در برابر خواست الهی نداشتند. سپس پیکر اصحاب کهف را در همان غار دفن کردند و بر مزارشان عبادتگاهی ساختند. من و بشیر هم به زمان حال برگشتیم.

ایستگاه تفکر

اکنون که به پایان داستان تملیخا و دوستانش رسیدیم، درباره سؤال زیر در کلاس گفت‌وگو کنید.

خداوند چرا و چگونه نام و یاد نیکوی اصحاب کهف را ماندگار کرد؟

سرفه‌های پدر بزرگ پند نمی‌آمد. همه نگران بودند. پدرم او را به بیمارستان برد و بستری‌اش کردند.

از پدر بزرگم بارها شنیده بودم که دلش برای دوستان شهیدش تنگ شده، اما من دلم نمی‌خواست. او از پیش ما برود؛ دعا می‌کردم هر چه زودتر خوب شود.

ایستگاه تفکر:

۱. چرا ماندگار کرد؟

زیرا آنان با ایمان خالصانه به خدا (ربوبیت الهی)، از همه چیز گذشتند: از مقام و ثروت خود دست کشیدند.

برای حفظ ایمانشان از شهر و خانواده هجرت کردند.

در برابر پادشاه ظالم (دقیانوس) ایستادگی و توحید را آشکارا اعلام کردند.

با توکل بر خدا، سختی‌های فراوان را تحمل نمودند.

۲. چگونه ماندگار کرد؟

با ثبت در قرآن کریم: خداوند سرگذشت آنان را در سوره کهف (آیات ۹ تا ۲۶)

برای همیشه جاودانه ساخت تا الگویی برای همه مؤمنان باشد.

با ایجاد احترام در دل مردم: پس از مرگشان، مردم بر مزار آنان عبادتگاه

ساختند و نسل‌های بعد نیز به آنان به دیده احترام نگریستند.

با زنده شدن دوباره در زمان ظهور: بر اساس روایات (مانند حدیث امام صادق

علیه السلام در صفحه ۳۱ کتاب)، آنان هنگام ظهور امام زمان (عج) زنده

می‌شوند و از یاران ایشان می‌گردند که این خود بزرگ‌ترین ماندگاری است.

چند روزی از بستری شدن پدر بزرگ می‌گذشت. صدای اذان ظهر که بلند شد، مادر برای مادر بزرگ سجاده پهن کرد. مادر بزرگ وضو گرفت و به نماز ایستاد. همان موقع زنگ تلفن به صدا درآمد. پدر پشت خط بود. از گریه مادر متوجه شدیم پدر چه خبری به او داده است.

عده زیادی برای تشییع جنازه پدر بزرگ آمده بودند. محبوبیت و شهرتش از جانب خدا بود. پدر بزرگ سفارش کرده بود بعد از مراسم تدفین، وصیت‌نامه‌اش را برای مردم بخوانند. پدرم بغض‌آلود شروع کرد به خواندن وصیت‌نامه. من هم در سکوت، اشک می‌ریختم و گوش می‌دادم که جمله‌ای توجهم را به خود جلب کرد:

آرزو دارم وقتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور می‌کند، خدا به من اجازه دهد به دنیا برگردم و همراه او با ظالمان مبارزه کنم.

یادم است بشیر گفته بود اصحاب کهف از جمله کسانی هستند که وقتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور می‌کند، به قدرت خدا باز می‌گردند و از یاران آن حضرت می‌شوند.

سپس به یاد سفر سال گذشته‌ام با بشیر به دوران جنگ تحمیلی ایران و عراق افتادم. غرق در همین افکار، بشیر مقابلم ظاهر شد. اما این بار غم از دست دادن پدر بزرگ نمی‌گذاشت از دیدنش خوشحال شوم. او بدون مقدمه چینی گفت: «تا امروز با هم به گذشته می‌رفتیم، حالا می‌خواهم تو را به آینده ببرم. آماده‌ای؟»

سرم را به نشانه مثبت تکان دادم و خودم را در آینده دیدم.

دنیای آینده پر شده بود از ظلم و ستم. صدای مظلومان به جایی نمی‌رسید و حفظ ایمان برای مردم سخت شده بود.

من هم مدام بر سر دوراهی‌هایی قرار می‌گرفتم که باید یکی را انتخاب می‌کردم.

در برخی از دوراهی‌ها یا باید به خواسته دلم عمل می‌کردم یا به دستور خدا. در برخی دیگر یا باید با مردم راه می‌آمدم یا حرف خدا را گوش می‌دادم. اگر حرف مردم را گوش نمی‌دادم، یا مسخره‌ام می‌کردند یا در معرض تهدیدشان قرار می‌گرفتم. گاهی وقت‌ها یا باید از میزان زیادی پول چشم می‌پوشیدم یا باید برای رسیدن به آن پول، تن به کارهای حرام، مانند رشوه دادن و ضایع کردن حق دیگران می‌دادم. گاهی هم یا باید به داد مظلوم می‌رسیدم یا باید با ظالم همراهی می‌کردم.

در کشاکش این دوراهی‌ها ناگهان صدای بلندی از آسمان شنیدم. همه، رو به آسمان، صدا را گوش می‌دادند. صدا می‌گفت: «مَنْ بَقِيَ اللَّهُ^۱ و جانشین خدا روی زمین هستم.»^۲

۱- «بقية الله» به معنای کسی است که خدا او را باقی گذاشته تا مردم را به سوی حقیقت راهنمایی کند. (بحار الانوار، ج ۲۴،

ص ۲۱۱)

۲- کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۳۱.

۲- زنده شدن اصحاب کهف وقتی امام زمان ظهور

می‌کند، نشانه‌ی چیست؟ نشانه قدرت خدا

۳- از نشانه‌های قدرت خدا در ماجرای اصحاب

کهف دو مورد را بنویسید.

جواب: ۱- بیدار شدن از خواب پس از ۳۰۹ سال

۲- زنده شدن آنان زمان ظهور امام دوازدهم

۴- از ویژگی‌های جامعه قبل از ظهور امام دوازدهم را

بنویسید.

۵- دوراهی‌هایی که انسان در زندگی با آن روبرو می

شود را بنویسید، نتیجه انتخاب هر یک از آن‌ها را

بنویسید. (در نقش راوی داستان)

ایستگاه تفکر

در موقعیت های زیر رفتار کسانی را که به ربّ خود ایمان دارند با کسانی که به چنین اعتقادی نرسیده اند، مقایسه کنید.

موقعیت	کسانی که به ربّ ایمان دارند	کسانی که به چنین اعتقادی نرسیده اند
از دست دادن عزیزان	صبر و توکل، تسلیم قضاء قدر الهی	بی تابی، اعتراض، ناامیدی
دیدن رفتارهای زورگویانه	مقاومت و ایستادگی، امر به ...	سکوت، همراهی و ترس، توجیه ظلم
غفلت دیگران از تعالیم دینی	تذکر مهربانانه، دعوت به خیر	بی تفاوتی، همراهی با غافلان

@Hdehghan13

دلم می خواست بدانم چه اتفاقی افتاده و بعد مانند سایرین به آرامش برسم و شادمان شوم؛ از بشیر پرسیدم: «چه خبر شده؟»

او بدون اینکه حرفی بزند، مرا به مسجد الحرام، نزدیک خانه خدا برد و شخصی را نشانم داد. خدای من! تملیخا بود. آنجا چه کار می کرد؟ با بشیر پیش او رفتیم، او مرا شناخت و بی معطلی سؤال را از او هم پرسیدم. تملیخا جواب داد: «خبر خوب این است که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کرده.»

زبانم از خوشحالی بند آمد و قلبم از شوق تند می تپید.

داشتم به عاقبت تملیخا و دوستانش فکر می کردم که تملیخا گفت: «خوشحال باش که زمان ظهور را دیده ای. چیزی نمی گذرد که چهره دنیا عوض می شود. ظلم و ستم از دنیا رخت می بندد و امنیت برقرار می شود؛ فقر از میان می رود؛ دانش به اوج خود می رسد؛ مردم باهم خوب می شوند؛ کسی با کسی دعوا نمی کند و کینه از دل ها زدوده می شود؛ کسی به کسی خیانت نمی کند و آسمان از باریدن و زمین از رویاندن دریغ نمی کند؛ گمراهی از میان می رود؛ مردم معارف قرآن و کلام خدا را به طور کامل می آموزند؛ بساط فساد برچیده می شود و همه به حق خود می رسند. در یک کلام، زمین رنگ خدا به خود می گیرد.»^۱

۱- ر. ک: سیره حکومتی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، محمد محمدی ری شهری، انتشارات موعود عصر.

۶- امام زمان در کجا ظهور می کند و با چه عبارتی خود را معرفی می کند؟

جواب: در مکه (مسجد الحرام خانه خدا)
من بقیّة الله و جانشین خدا روی زمین هستم.

۷- پس از ظهور امام زمان، چه اتفاقات قشنگی چهره دنیا را عوض می کند؟



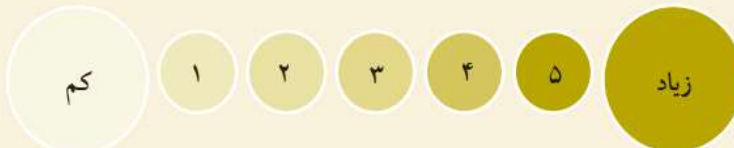
در شنیدن زیبایی های عصر ظهور غرق بودم که بشیر گفت باید برگردیم. به این ترتیب، لحظه بعد، خودم را باز کنار مزار پدر بزرگم دیدم. جز پدر و مادر بزرگ و چند نفر دیگر از اقوام، کسی آنجا نبود. در دلم آرزو کردم کاش آینده ای که دیدمش، هرچه زودتر اتفاق بیفتد!

چشمانم را بستم و بعد با خودم گفتم: «می توانی طوری زندگی کنی که به خوشی های زودگذر دنیا برسی ولی حضورت در دنیا تأثیرگذار نباشد. همچنین می توانی طوری زندگی کنی که هم خوشحال باشی هم در بزرگترین اتفاق عالم یعنی ظهور، شرکت داشته باشی. کدام را انتخاب می کنی؟»

خودسنجی

۱ شما کدام راه را انتخاب می کنید؟ چرا؟

۲ در این مسیر چقدر موفق خواهید بود؟



تلنگر

گفتم: همیشه از بی فایده یا کم فایده بودن زندگی ام فراری بوده ام.

گفت: آفرین! این فرار کردن، نشانه سلامت روح توست.

گفتم: اگر بخواهم زندگی ام از مفیدترین زندگی ها باشد، باید چه کار کنم؟

گفت: در مهم ترین و مفیدترین اتفاقی که پیش روی دنیاست، شریک شو.

گفتم: کدام اتفاق؟

گفت: ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که با آن، بساط ظلم و ستم جمع می شود، عقل ها کامل

می شود، دل های مردم به هم مهربان می شود، امنیت در همه دنیا فراگیر می شود و ...

گفتم: چگونه در این اتفاق شریک شوم؟

گفت: از همین حالا سرباز امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باش.

گفتم: چگونه؟

گفت: طوری زندگی کن که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از تو راضی باشد.

۸- راوی از خود می پرسد: «می توانی طوری

زندگی کنی که ... حضورت در دنیا تأثیرگذار

نباشد؟» به نظر شما زندگی «بی تأثیر» چه

ویژگی هایی دارد؟

جواب: زندگی ای که فقط به خوردن، خوابیدن،

تفریح و کارهای شخصی بگذرد و هیچ تلاشی برای

کمک به دیگران، ترویج خوبی ها و مقابله با

بدی ها انجام ندهد. چنین فردی مانند این است

که هیچ گاه به دنیا نیامده باشد.

۹- یکی از نشانه های سلامت روح را بنویسید.

جواب: فرار کردن از بی فایده یا کم فایده بودن

در زندگی

۱۰- اگر بخواهیم زندگی مان از مفیدترین زندگی

ها باشد، باید در چه اتفاقی همراهی کنیم؟ چرا؟

۱۱- چگونه می توان در ظهور امام زمان شریک

شد؟

۱۲- چگونه می توان سرباز امام زمان شد؟

احکام: نمازگزار واقعی کیست؟

آرزو داشتم به اردوهای جهادی بروم. تا اینکه آرزویم محقق شد؛ من و مسجدی‌های محل و حاج آقای محمدی همسفر شدیم.

مقصدمان روستایی محروم در سی کیلومتری شهر بود. قرار بود آنجا چند کار اساسی انجام دهیم: کمک به ساخت خانه برای خانواده‌های نیازمند و ساختن چند کلاس برای مدرسه.

اهالی مسجد با خانواده به این سفر آمده بودند و خانم‌ها هم می‌خواستند در روستا کار فرهنگی انجام دهند. البته یکی از خانم‌ها که پزشک بود، می‌خواست بیماران را رایگان مداوا کند و دو نفر هم می‌خواستند به بچه‌ها در درس‌هایشان کمک کنند.

نزدیک عوارضی توقف کردیم تا برای روستاییان سوغاتی بگیریم. چند کیلومتر جلوتر هم وقت نماز شد و باز توقف کردیم. حاج‌آقا قبل از نماز، رو به بقیه گفت: «حواستان هست که نمازمان شکسته است؟»

میثم پسر حاج حسین آقا گفت: «چرا شکسته؟! ما که هنوز چیزی از شهر فاصله نگرفتیم.» حاج‌آقا گفت: «پسرم! شکسته خواندن نماز مسافر، شرایطی دارد. یکی از آن شرایط به مسافت سفر مربوط می‌شود. کسی که قصد دارد از شهر یا روستایش به جایی برود که رفت و برگشتش حدود ۴۱ کیلومتر است،^۱ مسافر محسوب می‌شود و نمازش شکسته است، یعنی نماز چهاررکعتی را باید دو رکعت بخواند. یک شرط دیگر هم این است که مسافر کمتر از ده روز در یک مکان بماند. پس اگر بخواد ده روز یا بیشتر بماند، نمازش را باید کامل بخواند.»^۲

میثم گفت: «خب هنوز که چیزی از شهر دور نشده‌ایم.» حاج‌آقا لبخندی زد و گفت: «الان می‌گویم. کسی که قصد مسافرت دارد، از وقتی به حد ترخص برسد، می‌تواند نمازش را شکسته بخواند.» میثم با تعجب پرسید: «حد ترخص دیگر چیست؟»

حاج‌آقا گفت: «حد ترخص به اولین جایی می‌گویند که دیوار خانه‌های شهر پیدا نیست و اذان شهر هم شنیده نمی‌شود؛ تقریباً می‌شود یک کیلومتر و نیم بعد از شهر.»

نماز را به امامت حاج‌آقا خواندیم و به راه افتادیم. به روستا که رسیدیم، بچه‌های روستا خبر رسیدنمان را به بزرگ‌ترها رساندند و سریع چند نفر مرد و زن و بچه صلوات‌گویان به استقبالمان آمدند و سپس همگی به طرف مسجد روستا رفتیم. حسینیه کنار مسجد، محل اسکانمان بود.

۱۳- در چه صورتی، نماز شکسته خوانده می‌شود؟

۱۴- شکسته خواندن نماز مسافر چه شرایطی دارد؟

۱۵- چه نمازهایی شکسته و چند رکعت خوانده می‌شود؟

۱۶- حد ترخص چیست؟ و در چه صورتی مطرح می‌شود؟

۱- نظر مراجع تقلید درباره اندازه این مسافت، متفاوت است و هر کس باید به رساله مرجع تقلید خودش مراجعه کند.
۲- شرایط دیگر شکسته شدن نماز مسافر را در رساله مرجع تقلیدتان بخوانید.

وقتی به مسجد رسیدیم، حاج آقا گفت: «یک هفته اینجا هستیم و کلی کار داریم. در کارهایی که مربوط به ساختن خانه و مدرسه می شود، رئیس همه ما علی آقا است. کارهای مربوط به تدارکات را هم حاج حسین آقا انجام می دهد.»

حاج آقا مادر مرا هم مسئول امور بانوان کرد و بعد هم رو به علی آقا کرد و با لبخند گفت: «ما همه کارگران تو هستیم.»

مردم روستا هم برای همکاری اعلام آمادگی کردند و کارها شروع شد. من زیر دست علی آقا کار می کردم و با هر یک ردیف دیواری که چیده می شد، خوشحالی ام بیشتر می شد.

شب شد و در پشت بام، قبل از خواب، به حاج آقا گفتم: «تا به حال چند بار از شما شنیده ام که نباید خیال کنیم همین که نماز مان را می خوانیم، خدا نام ما را در جمع نماز خوان های واقعی می نویسد. نماز خوان واقعی بودن نشانه هایی دارد. می شود امشب کمی از آن نشانه ها را بگویید؟»

حاج آقا گفت: «در این شکی نیست که خواندن نماز بر همه ما واجب است، اما کار فقط با نماز خواندن، درست نمی شود. بلکه باید حواسمان باشد که پیام اصلی نماز این است که خدا را به عنوان رب قبول داشته باشیم و بندگی اش را کنیم. این نماز خواندن و این بندگی کردن باید خودش را در زندگی مان هم نشان بدهد.»

میشم از حاج آقا پرسید: «ولی چطوری؟»

حاج آقا از سؤال میثم خوشش آمد و گفت: «قرآن در سوره معارج می گوید انسان ها وقتی گرفتار می شوند، بی تابی می کنند. وقتی هم چیز خوبی به دست می آورند، نمی گذارند آن چیز خوب به دیگران هم برسد. قرآن می گوید ولی نمازگزاران این طور نیستند.»

کمی مکث کرد و ادامه داد:

— خدا در همین سوره معارج، چند ویژگی نمازگزاران را بیان می کند:

اول: نمازگزاران کسانی هستند که همیشه نمازشان را می خوانند، مثل بعضی ها کاهل نماز نیستند که گاهی نماز بخوانند و گاهی نماز نخوانند.

دوم: بخشی از مالشان را برای کمک به نیازمندان در نظر می گیرند.

سوم: به روز قیامت اعتقاد دارند.

چهارم: از عذاب خدا می ترسند.

پنجم: پاکدامن هستند.^۱

حاج حسین آقا به میثم که در فکر فرو رفته بود، گفت: «این یعنی نماز ستون دین است.»

۱۷- پیام اصلی نماز چیست؟

۱۸- خداوند در سوره معارج دو رفتاری که انسان ها دارند ولی نمازگزاران را از آن ها مستثنی کرده است را بنویسید.

۱۹- ۵ مورد از ویژگی های نمازگزاران واقعی را بنویسید.

ایستگاه تفکر

پیام هریک از آیات داده شده را به یکدیگر وصل کنید.

مراقب نمازشان هستند.	وَالَّذِينَ هُمْ لَا مَانَتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ
امانت دار و پایبند به عهدشان هستند.	وَالَّذِينَ بِشَهَادَاتِهِمْ قَائِمُونَ
پای گواهی و شهادت خود می ایستند.	وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ

۲۰- پیام هریک از آیات روبرو را بنویسید.

۲۱-

سؤال: به مسافرت رفتن و قصد کردم ده روز بمانم، اما همان ابتدا فهمیدم به خاطر کاری مجبورم قبل از ده روز برگردم. تا وقتی برگردم، آیا نمازم کامل است یا شکسته؟

جواب: اگر قبل از اینکه تصمیم بگیرید برگردید، یک نماز چهاررکعتی خوانده‌اید، مدتی که در مسافرت هستید، باید نمازتان را کامل بخوانید. اما اگر قبل از خواندن یک نماز چهاررکعتی از ماندن منصرف شده‌اید، در مدت باقی مانده باید نمازتان را شکسته بخوانید.

@Hdehghan13

↓ جواب ها صفحه بعد

♦ ۱|| قرار است با دوستانتان به پارک بروید. بعضی لباس های نامناسب پوشیدند و از شما هم می خواهند مانند آنها لباس بپوشید و شما را تشویق به این کار می کنند که این لباس ها الان مد روز هستند.
یار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بودن در این موقعیت یعنی

♦ ۲|| دو نمونه از ویژگی های دوران ظهور را بنویسید.

♦ ۳|| مسافر با چه شرایطی باید نمازش را شکسته بخواند؟ دو شرط را بنویسید.

♦ ۴|| خانواده آقای میثمی قصد سفر یک هفته ای دارند. یک کیلومتر که از شهر دور شدند، جهت اقامه نماز توقف کردند. به نظر شما آنها باید نمازشان را شکسته بخوانند یا کامل؟ چرا؟

♦ ۵|| پیام اصلی نماز چیست؟

♦ ۶|| معصومه می خواهد بفهمد چقدر نماز خواندن او در زندگی اش تأثیر داشته است. او باید به چه نشانه هایی در رفتارش توجه کند؟ سه نمونه بنویسید.

پاسخ سؤال ۱:

یار امام زمان بودن در این موقعیت یعنی به جای همراهی با جمع برای رضایت مردم، رضایت امام زمان (عج) را در نظر بگیری و با شجاعت از پوشیدن لباس نامناسب خودداری کنی. بشیر در صفحه ۱۶۶ می گوید: «طوری زندگی کن که امام زمان از تو راضی باشد.» همچنین در صفحه ۱۰۱، راوی وقتی در مدرسه با تمسخر هم کلاسی ها روبه رو شد، با یادآوری اصحاب کهف ایستادگی کرد و احساس کرد خدا با اوست. یار امام زمان بودن در این موقعیت یعنی «تسلیم نشدن در برابر فشار جمع و مد نادرست، و انتخاب لباسی که مورد رضایت خدا و امام زمان باشد».

پاسخ سؤال ۲ (بر اساس توصیف تملیخا در صفحه ۱۶۵):

۱. برقراری امنیت کامل در سراسر جهان.
۲. از بین رفتن فقر و تنگدستی.
- (سایر ویژگی ها: زدوده شدن کینه از دل ها، گسترش دانش، پایان ظلم و گمراهی، برچیده شدن بساط فساد)

پاسخ سؤال ۳ (بر اساس صفحه ۱۷۲):

۱. مسافت شرعی: رفت و برگشت سفر حداقل ۴۱ کیلومتر باشد (بر اساس متن کتاب).
۲. عدم قصد اقامت ده روز یا بیشتر: مسافر قصد نداشته باشد ده روز کامل در یک مکان بماند.
- (شرط دیگر: رسیدن به حد ترخص که در سؤال ۴ توضیح داده شده است.)

پاسخ سؤال ۴:

آنها باید نمازشان را کامل بخوانند.

دلیل: بر اساس صفحه ۱۷۲، «حد ترخص» یعنی جایی که دیوارهای شهر دیده نشود و اذان شهر شنیده نشود، تقریباً یک ونیم

کیلومتر بعد از شهر است. از آنجا که خانواده آقای میثی تنها یک کیلومتر دور شده اند، هنوز به حد ترخص نرسیده اند و نمازشان کامل است.

پاسخ سؤال ۵ (بر اساس صفحه ۱۷۳ و ۱۱۰):

پیام اصلی نماز، پذیرش ربوبیت خدا و بندگی او است. خداوند در قرآن می فرماید: «نماز را به پا دار برای یاد من» و «تنها با یاد من دل ها آرامش می یابد.» بنابراین نماز یعنی ارتباط با خدا، یاد او، و تسلیم بودن در برابر فرمانش. همچنین نماز واقعی باید در اخلاق و رفتار انسان تأثیر بگذارد.

پاسخ سؤال ۶ (بر اساس سوره معارج و صفحه ۱۷۴-۱۷۳):

۱. انفاق و کمک به نیازمندان - آیا از مال خود به دیگران می بخشی؟
۲. پاکدامنی - آیا از گناهان جنسی و نگاه حرام دوری می کنی؟
۳. امانت داری و وفای به عهد - آیا در مسئولیت هایی که بر عهده می گیری، امین است؟
- (نمونه های دیگر: مداومت بر نماز، ایمان به قیامت، ترس از عذاب خدا، پایبندی به شهادت و راستگویی)